

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نردوی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال دهم - سال تحصیلی ۹۲-۹۳

جلسه اول - شنبه ۳۰/۶/۹۲

دوران اهر بین اقل و اکثر

بیان شد شکّ در اصل تکلیف مجرای براءت است و در مواردی که اصل تکلیف مسلّم است اما مردّد بین دو چیز است و طرفین تردید، متباینین هستند احتیاط واجب است، مانند این که شک وجود دارد که آیا إناء شرقی نجس است یا إناء غربی. و با بحث‌های مفصّلی که وجود داشت به این نتیجه رسیدیم که یا به حکم عقل یا حکم عقلاء و یا به واسطه‌ی استیحاش عرف و در نتیجه انصراف أدله‌ی براءت (مبنای منتخب) در اطراف علم اجمالی دائر بین متباینین باید احتیاط کرد، مگر در مواردی که چنین استیحاش عرفی وجود نداشته باشد. علم اجمالی همان‌گونه که ممکن است به متباینین تعلق گیرد، امکان دارد به اقل و اکثر تعلق بگیرد و اقل و اکثر نیز یا استقلالی است و یا ارتباطی.

اقل و اکثر استقلالی

مقصود از اقل و اکثر استقلالی آن است که اقل، وجودی منحاز و بدون پیوند به اکثر دارد و می‌توان اقل را امتثال کرد بدون اینکه اکثر اتیان شود.

مثلاً کسی که به دیگری بدهکار است و نمی‌داند آیا صد تومان بدهکار است یا صد و بیست تومان بدهکار است، اگر در واقع صد و بیست تومان بدهکار باشد ولی صد تومان پرداخت کند به اندازه‌ی صد تومان فارغ‌الذمه شده و به همین مقدار، امتثال محقّق شده است.

در مورد اقل و اکثر استقلالی ظاهراً خلافی وجود ندارد که احتیاط، واجب نیست و مجرای براءت است؛ زیرا در لباب به علم تفصیلی به وجوب اقل و شک بدوی در وجوب اکثر بازگشت می‌کند و علم اجمالی با اندک توجهی منحل می‌شود و در مباحث گذشته بیان شد که شک بدوی مجرای براءت است و حتی در مثال ذکر شده، استصحاب عدم اشتغال ذمه به بیش از صد تومان نیز جاری است و فرضاً اگر استصحاب جاری نبود می‌توان به براءت تمسک کرد.

اقل و اکثر ارتباطی

در اقل و اکثر ارتباطی، اقل به گونه‌ای است که اگر فی‌الواقع اکثر واجب باشد مکلف با اتیان اقل هیچ امتثالی نکرده است و معنای ارتباطی بودن همین است. اکثر عبادات ترکیبی ما از این نوع است و اجزاء آن به هم مرتبط است و اگر یک جزء نباشد کل آن مفقود خواهد بود و وجود آن جزء تأثیری در امتثال امر متعلق به کل ندارد؛ زیرا اجزاء به شرط انضمام واجب هستند. اگر در نماز ده جزء دارای وجوب است معنایش آن نیست که این اجزاء هر کدام می‌توانند مستقلاً اتیان شوند و هر کس به هر اندازه که از اجزاء اتیان کند بری‌الذمه می‌شود، بلکه اگر مثلاً رکوع، قرائت یا سجود واجب است آن حصه‌ای از اجزاء واجب است و امتثال با آن محقق می‌شود که به سایر اجزاء ضمیمه گردد.

اقل و اکثر ارتباطی دارای انواعی است: گاهی اکثر ناشی از شک در اعتبار جزء دیگر است؛ مثلاً شک می‌شود آیا در نماز استعاذه قبل از قرائت نیز واجب است یا خیر؟

گاهی اکثر مشکوک، شرط است و شرط دارای انواعی است؛ گاهی منشأ شرط امری خارجی است، مانند طهارت (غسل یا وضو) و گاهی مانند ایمان در رقبه است و گاهی نیز اکثر به نحو عام و خاص است؛ یعنی مکلف شک دارد که مثلاً آیا مطلق حیوان متعلق تکلیف است یا حیوان خاصی مانند فرس و غنم متعلق تکلیف است.

در نوع دیگری از اقل و اکثر، مکلف شک دارد که آیا مخیر است در اتیان هر یک از افراد یا متعیناً باید فرد خاصی را اتیان کند؟

تفصیل هر یک از این انواع ان شاء الله خواهد آمد و هر نوع بحث مخصوص به خود را دارد؛ ممکن است کسی در برخی از آنها قائل به براءت گردد و در برخی قائل به احتیاط شود.

بنابراین بحث از اقل و اکثر ارتباطی گاهی در جزء خارجی و گاه در جزء تحلیلی و گاهی نیز در دوران امر بین تعیین و تخییر واقع می‌شود. البته فروعاً دیگری نیز در خلال مباحث آینده مطرح خواهد شد ان شاء الله.

این مبحث بسیار مؤثر در فقه است؛ مثلاً در مبحث نماز و شک در اجزاء و شرایط آن یا مسائل حج و... نیاز به تثبیت مبنا در بحث اقل و اکثر ارتباطی وجود دارد.

شک در اعتبار جزء زائد

ممکن است شک شود مثلاً آیا قنوت، استعاذه یا سه بار گفتن تسمیحات اربعه در نماز لازم است یا خیر؟ این گونه مباحث ذیل عنوان مذکور بحث خواهد شد. البته باید توجه داشت اساساً اصل براءت هنگامی جاری می‌شود که مجتهد تفحص کامل کرده است و به دلیلی که مثبت شرطیت، قیدیت یا جزئیت باشد برخورد نکرده است؛ چون اساساً نصی نبوده یا نص گرفتار اجمال یا تعارض بدون مرجح بوده است.

به هر حال منشأ شک هرچه باشد، پس از فحص تام و استفراغ وسع و یأس از یافتن دلیل آیا می‌توان در نفی جزئیت مشکوک به أدله‌ی براءت تمسک نمود و مثلاً نماز را بدون آن جزء اتیان کرد؟ اگر کسی قائل به براءت نشود - چنان‌که معلوم است - باید نماز را با جزء زائد اتیان کند.

مرحوم شیخ در رسائل می‌فرماید در وجوب احتیاط در این‌جا اختلاف شده است و برخی متأخرین تصریح به وجوب آن کرده‌اند. برخی عبارات شیخ طوسی و سید مرتضی نیز ظاهر در قول به احتیاط است، ولی معلوم نیست نظر آنان همین باشد، بلکه ظاهر دیگر کلمات آنان خلاف آن است و جماعتی نیز تصریح به براءت و عدم وجوب احتیاط کرده‌اند.^۱

در میان متأخرین، از مرحوم آخوند در حاشیه بر کفایه قول به وجوب احتیاط نقل شده است.

در مجموع می‌توان سه قول اصلی را مطرح کرد:

۱. قول به جریان براءت عقلاً و نقلاً.

۲. لزوم احتیاط عقلاً و نقلاً (به تعبیر دیگر أدله‌ی براءت جریان ندارد و چون مکلف یقین به

اشتغال دارد باید احتیاط کند).

۳. جریان براءت شرعاً و عدم جریان براءت عقلی.

طبیعی است که با عدم پذیرش براءت عقلی و پذیرش مسلک حق‌الطاعة (کما هو المختار) اگر در این

مسئله به براءت قائل شویم تنها به براءت نقلیه قائل خواهیم شد.

۱. فرائد الاصول (ط - دفتر انتشارات اسلامی)، ج ۲، ص ۴۵۹.

مرحوم شیخ انصاری^۱ قائل به جریان برائت شرعی و عقلی هر دو است.

اساس و بنیان قضیه در بحث اقل و اکثر ارتباطی در این نهفته است که: در هر حال مکلف علم اجمالی دارد که یا اقل واجب است و یا اکثر و مثلاً یا نماز ده جزئی واجب است یا نماز یازده جزئی واجب است، در نتیجه به اقتضای مبنای پذیرفته شده در مورد علم اجمالی باید احتیاط کرد، مگر آنکه به گونه‌ای این علم اجمالی منحل شود حقیقتاً یا حکماً، در این صورت است که احتیاط واجب نیست و مکلف می‌تواند نسبت به اکثر برائت جاری کند. تمام تلاش عظمای اصول طرفدار برائت نیز آن است که این علم اجمالی را حقیقتاً یا حکماً منحل کنند.

بیان شیخ انصاری^{رحمته‌الله} در انحلال علم اجمالی

از جمله کسانی که تلاش کرده است این علم اجمالی را حقیقتاً منحل کند شیخ انصاری^{رحمته‌الله} در رسائل است که خلاصه‌ی فرمایش ایشان در *فرائد الأصول*^۲ چنین است:

أقل قطعاً واجب است و هیچ شبهه‌ای در آن نیست؛ زیرا یا واجب در متن واقع خصوص اقل است یا آنکه اکثر دارای وجوب است که در این حالت نیز اقل دارای وجوب است؛ زیرا مقدمه‌ی وصول به کل، اجزاء آن هستند، پس اجزاء وجوب‌غیری دارند. بنابراین اقل در هر حال واجب است، حال یا به وجوب نفسی یا به وجوب غیری.

بنابراین مکلف ملزم است ده جزء نماز را اتیان کند، یا به وجوب نفسی و یا به وجوب غیری و در جزء یازدهم شک در وجوب دارد که برائت در آن جاری است و این انحلال یک انحلال حقیقی است؛ مانند جایی که دو إناء وجود دارد و می‌دانیم یک إناء قطعاً خمر است و نجس است، سپس مکلف علم اجمالی پیدا می‌کند نجاستی به یکی از دو إناء اصابت کرده است، آیا علم اجمالی جدید می‌تواند موجب احتیاط شود؟ خیر؛ زیرا إناء شرقی که خمر بود قطعاً نجس و واجب‌الاجتناب بود و تنها إناء غربی باقی می‌ماند و نمی‌دانیم نجس شده است یا خیر که مشمول أدله‌ی برائت می‌شود. ما نحن فیه از قبیل مثال مذکور می‌باشد، بلکه در انحلال قوی‌تر است.

۱. همان، ص ۴۶۰.

و کیف کان فالمختار جریان أصل البراءة، لنا علی ذلك حکم العقل و ما ورد من النقل.

۲. همان، ص ۴۶۲.

دو اشکال بر کلام شیخ انصاری رحمته الله

اشکال اول از محقق اصفهانی رحمته الله

محقق اصفهانی می‌فرماید بیان شیخ بر این استوار است که اجزاء داخلیه وجوب غیری مقدمی دارند که بر این اساس لامحاله شیخ بیان کرده‌اند اقل قطعاً دارای وجوب است، در حالی که این سخن صحیح نیست و در بحث مقدمه‌ی واجب بیان شد که وجوب غیری مربوط به مقدماتی است که وجودی منحاز و جدای از ذی‌المقدمه دارند، مانند نصب سلم برای رفتن به پشت‌بام که وجودی غیر از کون علی‌السطح دارد، اما در اجزاء داخلیه نپذیرفتیم که وجوبی مانند وجوب مقدمه داشته باشند، بلکه اجزاء، وجوبی جدای از کل ندارند؛ زیرا کل همان اجزاء بالأسر است و وجودی جدای از آنها ندارد و لذا اجزاء نیز وجوبی جدای از وجوب ذی‌المقدمه ندارند.

و وقتی مبنای استدلال شیخ ناتمام باشد نتیجه نیز صحیح نیست.

این اشکال مورد پذیرش اعلام قرار گرفته و اشکالی است که بر کلام شیخ وارد است.

اشکال دوم

حتی اگر بپذیریم که اجزاء داخلیه وجوب غیری مقدمی دارند، اشکال دیگری بر کلام شیخ وارد است؛ جناب شیخ فرمودند اجزاء واجب هستند یا به وجوب نفسی یا به وجوب غیری، پس علم اجمالی به وجوب معلوم تفصیلی و شک بدوی منحل می‌شود، در حالی که آنچه تفصیلاً معلوم است جامع بین وجوب نفسی و غیری است و این وجوب جامع نمی‌تواند باعث انحلال علم اجمالی گردد؛ زیرا معلوم بالاجمال ما یک وجوب نفسی است؛ به دلیل آنکه علم داریم یا اقل وجوب نفسی دارد یا اکثر وجوب نفسی دارد و این علم اجمالی باید منحل شود. به تعبیر دیگر سنخیتی بین وجوب جامع و طرفین معلوم بالاجمال نیست و در انحلال علم اجمالی شرط است که منحل‌الیه از سنخ معلوم بالاجمال باشد.

بنابراین کلام شیخ انصاری رحمته الله همچنان مورد اشکال است.

مقرر: سید حامد طاهری